

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سرتون په کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

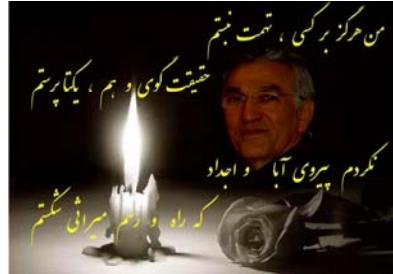
[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده  
۵ مارچ ۲۰۱۹



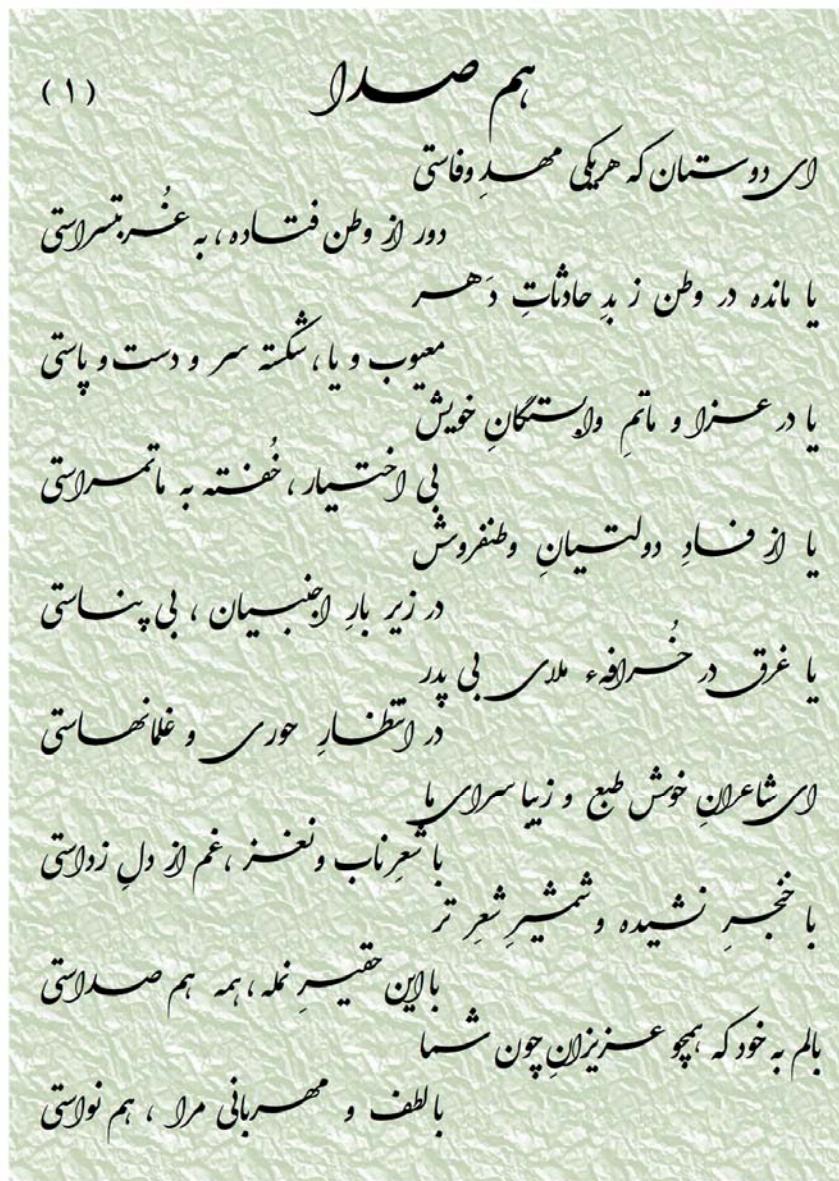
## هم صدا

ای دوستان که هریکی مهد و فاستی دور از وطن فتاده ، به گربه تراستی  
با ، مانده در وطن ، ز بد حادثاتِ دهه معیوب و یا ، شکسته ، سر و دست و پاستی  
با در عزا و ماتم وابستگان خویش بی اختیار خفتہ به ماتمس راستی  
یا از فسادِ دولتیان وطن فروش در زیر بار اجنبيان ، بی پناستی  
یا غرق ، در خرافه مُلای بی پدر در انتظار خُوری و غلمانه استی  
ای شاعران خوش طبع و ، زیبا سرای ما با شعر ناب و نفر ، غم از دل زداستی  
با این حقیر نمله ، همه هم صداستی با خنجر نشیده و شمشیر شعر تر  
بالم به خود که همچو عزیزان چون شما از یک سروده ام ، چه نشاند رقم شده ،  
محشر ز لطفِ خامه هریک بپاستی "زرگون" و "هری" و "جناب" فروغ "را  
تکبیر و عرض حُرمت بی منته استی ممنونم از تمام عزیزان که هریکی  
با لطف و مهربانی ، مرا هم نوشتی "پرویز نیک آئین" و از "شاهد" و "شکیب"  
از یک سروده ام ، چه نشاند رقم شده ،  
هریک قلم به دست و ، چو مشکل گشاستی "از افضلی" و "کارگر" و "سینای مهربان"  
هردم سپاس ویژه بی انته استی "استاد محترم برکت ! " ای عزیز دل  
مهرت همیشه در دل این بینوستی از "اعظمی" و "ظاهر" و "کهسار" و "احمدی"  
"صفی" و از "خروش" و ز "آقارضا" ستی هم از "مجید بار" و "حکیمی" و از "فتح"  
از "کاظمی" و "هاشم" و از "خان آقا" ستی هم از "عمر صدیق" و ز "انصاری" عزیز  
"جویا" و "مستعاری" و از "آریا" ستی هم از "امین" و هم ز "ولی شاه" محترم  
از "صادمی" و "صابر" و هم از "ثنا" ستی

"محمود" واز "عزیزی" واز "نادر" و "نصریر" از "جعفری" ، که چک چک لطفش نماستی ترسم به فرق ما وضعا ، ضربه هاستی زیرا "پیام" و "شست پسند" ، کم نماستی هر لحظه گویدم ز چه ، چون و چراستی سوی دگر طبیب ، فراری زماستی تا ، صوم و هم صلاة و اطاعت ، بجاستی من هم ، پی علاج و طبیب و دواستی فوقأرقم ، ز خامه درد آشناستی

از "پنجه بُکس" خشم "کریمی" دریغ و درد شاید که "وزن" و "قافیه" گردیده خسته کن دستِ فلک گرفته ، گریبان نشر را از یک طرف تورم و درد مفاصل است سه هفته دور از نظر و ، بعد حاضرم تا ، عیدِ باستانی نوروز ، می رسد ، «نعمت» ! حدیثِ مهر عزیزان مهربان

۲۷ فبروری ۲۰۱۹، ساعت ۴:۲۳



لزیک سروده ام چه نشادر قم شده،  
محشر، زلطف خامهء هریک به پاستی  
(زرغون) و (هروس) و جناب (فروع)<sup>بلیغ</sup> نمیسرد عرضِ حرمت بی تھاستی  
منونم لاز تمام عزیزان، که هر کیکی  
پیغام و با پسند، دل لازما ربارستی  
پرویز نیک آین و لاز شاهد و شکب  
هریک قلم بدست و، چو مشکل کشاستی  
لارضی و کارگرد و سینا سر بران  
هردم سپاس ویژه بی تھاستی  
استاد محترم بکت! لار عزیز دل  
عمرت همیشه در دل آین بیسنوالستی  
لار غصی و ظاهر و کهصار و حمدرب  
صفی و لاز خوش و ز آقا رضا استی  
هم لاز مجید دیار و حکیمی و لاز فتح  
لار کاظمی و هاشم و خان آقت استی  
هم لاز عمر صدیق و ز انصار عزیز  
جیا و مستعار و لاز آریاستی

هم لازمین و هم ز ولی شاهِ محترم (۳)  
لaz صادر و صابر و هم لازشناست  
محسود و لاز عزیز و لاز نادر و نصیر  
لaz جعفر که چک چک لطفش نماست  
لaz پنج بوس خشم کمی دین و درد  
ترسم به فرق ما ضغعا ، صربه هاست  
شاید که وزن و قافیه گردیده ختکن  
زیرا پایام و شست پسند ، کم نماست  
دست فنگ گرفته ، گریان نشر را  
هر خط کویدم زچه ، چون و چرلاتی  
لaz یکطرف تورم و درد مفاصل است  
سور دگر طیب ، فرادر ز ماست  
سه هفت دور لاز نظر و ، بعد حاضرم  
تا ، صوم و هم صدلة و اطاعت ، بجاست  
تاعید باستمانی نوروز ، می رسد ،  
من هم پی علاج و طیب و دولتی  
«نعمت»! حدیث میر عزیزلن مهربان  
فوقاً رقم ، ز خامه در آشناسی